**5شنبه 2/12/1403-21شعبان 1446-20فوریه 2025- درس 24تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم** اصلاح رفتار سازمانی کارکنان سهل انگار وسست عقیده با روش ترکیبی قهر و مهر

[سوره الأنعام (6): آيه 70]

وَ ذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِباً وَ لَهْواً وَ غَرَّتْهُمُ الْحَياةُ الدُّنْيا وَ ذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِما كَسَبَتْ لَيْسَ لَها مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفِيعٌ وَ إِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لا يُؤْخَذْ مِنْها أُولئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِما كَسَبُوا لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ (70)

مردمى كه دين خود را بازيچه و سرگرمى گرفته‏اند و زندگى دنيا آنها را فريفته است، ترك كن و آنها را بوسيله قرآن موعظه كن تا كسى كه جز خدا يار و فرياد رسى ندارد، گرفتار هلاكت نشود و هر عوضى بدهد، از او گرفته نشود. اينان بر اثر كردارشان در معرض هلاكت قرار گرفته‏اند. براى آنهاست نوشابه‏اى از آب جوش و عذابى دردناك، بر اثر اينكه كافر شده‏اند.

بيان آيه 70

لغت‏

ابسال: گرفتار كردن و كيفر دادن. شاعر گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و ابسالى بنى بغير جرم‏ |  | بعوناه و لا بدم مراق‏ |
|  |  |  |

يعنى: فرزندان خود را بدون اينكه جرمى مرتكب شده باشند يا خونى ريخته باشند، تسليم كردم.

عدل: فدا حميم: آب جوش‏

اعراب‏

أَنْ تُبْسَلَ‏: مفعول له‏ لَيْسَ لَها مِنْ دُونِ اللَّهِ‏: صفت براى «نفس» أُولئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا: مبتدا و خبر.

لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ‏: خبر دوم يا كلام مستقل.

مقصود

باز هم در باره كافران خيره سر مى‏فرمايد:

وَ ذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِباً وَ لَهْواً وَ غَرَّتْهُمُ الْحَياةُ الدُّنْيا: رفتار اينان را مورد اعراض و انكار قرار ده و با آنها ملاطفت و مهربانى مكن و هم چنان بدعوت و موعظه آنها ادامه ده. اينها دين را بازيچه و سرگرمى پنداشته و فريفته زندگى دنيا شده‏اند. نظير اين آيه، در سوره نساء است: «فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ» (آيه 63: از آنها روى گردان باش و آنها را موعظه كن) وَ ذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِما كَسَبَتْ‏: و به قرآن يا معاد آنها را موعظه كن‏تا كسى بر اثر كردار ناپسند در معرض هلاكت و بدبختى قرار نگيرد و گرفتار جهنم و كيفر خداوند نشود.

لَيْسَ لَها مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفِيعٌ‏: و كارش بمرحله‏اى برسد كه جز خداوند يار و ياور و فرياد رسى نداشته باشد.

وَ إِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لا يُؤْخَذْ مِنْها: در روز قيامت اگر هر چه فدا كند و هر وسيله‏اى كه دارد بر انگيزد از او قبول نميشود، زيرا آن روز، روز پذيرش توبه نيست. توبه فقط در دنيا قبول ميشود.

أُولئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِما كَسَبُوا: اينها بر اثر كردار زشت خود در معرض هلاكت قرار گرفته‏اند و راه نجاتى ندارند.

لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ‏: بر اثر اينكه كافر شده‏اند، براى آنهاست آب جوش و عذاب دردناك.

درباره اينكه آيا اين آيه منسوخ است يا نه، اختلاف است؟ قتاده گويد:

به «آية السيف»[[1]](#footnote-1) نسخ شده است. برخى گفته‏اند: منسوخ نيست، بلكه تهديد است.

در هر صورت، اين آيه تهديد شديدى است نسبت به كسانى كه كارشان استهزا به قرآن كريم است. تا كسى تابع راه و رسم آنها نشود. فراء گويد: هر امتى داراى عيدى است كه در آن روز به لهو و لعب مى‏گذراند. بجز امت محمد كه عيدى جز نماز و دعا و عبادت ندارد. [[2]](#footnote-2)

تفسیر مدیریتی

اصلاح رفتار سازمانی کارکنان سهل انگار وسست عقیده با روش ترکیبی قهر و مهر با اصل "هشدار به اِبسال"

***وَ ذَرِ*** باز امر به رسول خدا ص است به عنوان سخنگوی خدا با مردم ام مامور است این به یک ماموریت جد و آن ترک و رهاسازی گروهی که ***الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِباً وَ لَهْواً*** دین خود را بازیچه و سرگرمی گرفته اند یعنی جدی نگرفته اند برنامه زندگی خود قرار نداده اند چه بسا در حد یک مراسم و رسوم از آن امرار معاش نمودن ولی در قالب مثلا بازی های رسانه ای و نمایشی و فرمایشی ***وَ غَرَّتْهُمُ الْحَياةُ الدُّنْيا*** در حالیکه زندگی دنیا مساکن ،مناکح و مشاغل آن تجارت آن و بورس بازی .. آنها را فریفته و منحرف کرده است مشغول و غافل کرده است زیباییها و ظواهر آن سیاست ورزیها و قدرت طلبیها و...این جذابیت ها باعث شده که از دین به عنوان صرفا درج در شناسنامه برای بهره وری از مزایای معیشتی آن در حالیکه حاضر نیستند برای آن مجاهدت بنمایند لذا دین آنها مطرح شده است دینهم نه دین خدا شاید مراد صاحب هر دینی باشد که باعث میشود دین حق را رهاکنند و دین خود را بر دین پیامبر خاتم ص ترجیح دهند بلکه به آن سرگرم شوند و امورشان را با آن بگذرانند و تصور نکنند که دین کامل دین دیگری است و دین خود را کامل بدانند و نیازی به دین حق احساس نکنند با صاحبان این رفتار و افکار چه باید کرد تا اصلاح شوند اول این که ترک شوند به حال خود، با آنها درگیر نشود پیامبر ص چون متعصبند و متصلب و فکر میکنند که پیامبر میخواهد شیئ عزیزی را از آنها بگیرد لذا زیر بار نروند و کدورت و خصومت پیدا کنند و نتیجه عکس گرفته شود ***وَ ذَكِّرْ بِهِ*** ماموریت دوم و تکمیلی پیامبر به عنوان مصلح و مدیر مدینه فاضله و منظمه عالیه این است که تذکر هم بدهد نه فقط ترک کند و قهر کند وتمام ،بلکه رهاسازی محتوایی و عدم درگیری با متصلبات آنها تا احساس آرامش کنند و در حالت موعظه پذیر قرار گیرند و آنگاه شروع به تذکر نماییم ***أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِما كَسَبَتْ*** و آن تذکر چیست هشدار به هلاکت نفوسی که کارنامه منفی دارند و ماکسب آنها باطل و بی نتیجه و بی منجی و بی نفع است تذکر جدی دهد که این مسیر منتهی به دره اِبسال هلاکت و نابودی است لابد با موعظه حسنه و حکمت و جدال احسن تا موثر واقع شود در نفوس گوناگون با طبائع و سلائق مختلف ***لَيْسَ لَها مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفِيعٌ*** به آنها تذکر داده شود انذار گونه و هشدار آمیز که وقتی با همین دست فرما ن پیش روی کنید به نابودی و ناکامی نزدیک میشوید و تمام پلها را پشت سر خود خراب میکنید و هیچ یار ویاوری نخواهید داشت مگر خدا مدبر هستی و مالک آن. آیا بهتر نیست از همین الان قبل از وقوع حادثه اورا داشته باشید و سرمایه بگیرید به او اتکا کنید تا به آن سرنوشت تلخ وسخت گرفتار نشوید ***وَ إِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لا يُؤْخَذْ مِنْها*** در آن عاقبت قابل پیش بینی وقهری نه منابع مادی و نه منبع انسانی یعنی رانت ها وباند ها نمیتوانند شما را نجات دهند و به داد برسند یار باشند آنها را فدیه ورشوه کنید تا به جای شما عذاب را بخرند و تحمل کنند شما در آن هنگام اذیت و آزار خواهید شد بیایید واز هم اکنون آینده را مدیریت کنید و توجه و همتان را صرف التزام به مدیریت و سازمانی ربوبی کنید و جلوی حادثه را قبل از وقوع بگیرید بدون خدا هیچ آینده روشنی ندارید چشم اندازتان تاریک خواهد بود ***أُولئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِما كَسَبُوا*** اینان کسانی هستند که با گریز و ستیز با سازمان توحیدی به این اِبسال و هلاکت وبی هویتی گرفتار آمده اند علت این ابسال دستاورد های خودشان است عوائد بی فوائدی که اصلا بدردشان نمیخورد و آینده آنها را تباه وسیاه میکند این ابسال و گرفتاری نه توسط سازمان ربانی و مدیر آن بلکه به علت سستی ها وسوءظن های بیهوده وبی اساس به مبانی حقه اسلام و مدیران اصلح و عادل آن هم چون پیامبر اعظم ورحمت است ***لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ*** الان در رفاه و لعب و لهو هستید امکانات را به چنگ آورده اید نامشروع به آن خوشید و دل خوشید می نوشید و دنیا به کامتان است ظاهرا ولی نهایت وآینده را چه میکنید ؟ آن موقع نوشابه وشراب از آب جوش و تازیانه های عذاب است یعنی رنج و شکنج غیر قابل تحمل در پس هر خنده آخر گریه ایست مرد آخر بین مبارک بنده ایست ***بِما كانُوا يَكْفُرُونَ*** تمام تقصیر متوجه خودشان و کفر و کفرانشان است یعنی قدر نعمت را ندانستن و بهره وری صحیح نکردن و دچار سرنوشت شوم شدن آینده اگر خوب مدیریت نشود از همین زمان حال ،نتیجه این میشود که به دوعلت "ماکسب" و "کفر" بی کس و بی یاور میشوید (70)

***نتیجه*** : میتوان با اتکا به مالک مدبر و قائم مقام او رسول خدا ص وسلسله مراتب صالحان وآینده خوبی که مدیریت میکنند و دلسوزی ورحمتی که دارند از هم اکنون عاقبت خوبی را رقم زد و نیز تکلیف مدیران این است که این بیهوده انگاران را ترک کنند و لی موعظه را ترک نکنند هشدار را ترک نکنند اتمام حجت را تر ک نکنند تا نگویند که اگر به ما هشدار داده میشد به این روز نمی افتادیم . ترک کردنشان به معنای عدم در گیری محتوایی با آنهاست زیرا فایده ای ندارد اما ترک کامل صحیح نیست باید نصیحت و موعظه کرد .و این برای اصلاح رفتار آنهاست و نیز اصلاح عقائد آنها . (والله العالم)

برای مطالعه

[سوره الأنعام (6): آيه 71]

قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُنا وَ لا يَضُرُّنا وَ نُرَدُّ عَلى‏ أَعْقابِنا بَعْدَ إِذْ هَدانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّياطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرانَ لَهُ أَصْحابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنا ق

1. ( 1)- ممكن است منظور از« آية السيف» اين آيه باشد:« فَقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ»( سوره نساء 84: در راه خدا جهاد كن كه جز بر نفس خود مكلف نيستى) در روايت آمده است كه خداوند بر پيامبر خود شمشيرى نازل كرد كه داراى غلاف نبود و به او گفته شد:« فَقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ»( سفينة البحار 1 ر 679 ماده سيف) ممكن است منظور آيه 5 سوره توبه« فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» باشد( الميزان 7 ر 157 [↑](#footnote-ref-1)
2. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-2)